



از منظر دین مبین اسلام برای رسیدن به هدف، بهره‌گیری از تبلیغات صحیح ضرورت دارد و اصلی‌ترین وظیفه رسول اکرم (ص) و پیامبران الهی نیز همین بوده است که خداوند فرمود: «و ما علی الرسول الاّ البلاغ المبین»^(۱) و برعهده پیامبر خدا وظیفه‌ای به جز تبلیغ آشکار نیست.»

بدون تردید، برای مردم جهان و بویژه مسلمانان شناختن ابعاد و زوایای برنامه‌های متعالی اسلام و آگاهی از اهداف و انگیزه‌های آن ضرورتی انکارناپذیر است تا بتوانند با معرفت کامل به اندیشه‌های آسمانی آن آگاه شده و دستوراتش را عمل نمایند.

البته در مرحله اول تبلیغ دین و بهره‌گیری از روش‌های صحیح آن به عهده انبیاء و امامان معصوم (ع) است اما در مرحله بعدی این وظیفه بردوش عالمان و متولیان فرهنگی و تبلیغی جامعه قرار گرفته است. همچنانکه اگر در گذشته مبلغان مخلص و فداکار، بار سنگین پیام‌رسانی و آگاه نمودن جامعه را عهده دار نمی‌شدند امروزه جمعیت کره زمین مسلمان نبودند. بویژه عصری که در آن قرار گرفته‌ایم به عصر ارتباطات و انفجار اطلاعات معروف شده است، این وظیفه بر مبلغان اسلامی از هر زمان دیگر بیشتر و عمیق‌تر مطرح است و آنان طبق دستور قرآن باید با دقت لازم به تبلیغ حقایق اسلامی بپردازند. خداوند با ابلاغ این مسؤولیت به مبلغان اسلامی می‌فرماید: «فلولا نفر من کل فرقة منهم طائفة ليتفقهوا فی الدین ولینذروا قومهم اذا رجعوا الیه»^(۲) چرا از هر فرقه‌ای از اهل ایمان، دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را - وقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهند - باشد که آنان از (کیفر الهی) بترسند.»

با توجه به ضرورت تبلیغ دین و اطلاع رسانی صحیح از منظر قرآن، مبلغان اسلامی باید این رسالت خطیر را به انجام رسانند. البته برای توفیق در این راه اوصاف و ویژگی‌هایی را باید در خود بوجود آورند تا رسالت تبلیغ مثمرتر باشد، در اینجا به برخی از ویژگی‌ها و اوصاف ضروری مبلغان اسلامی از منظر کلام وحی اشاره می‌کنیم.

■ ۲۰۱- ایمان و آگاهی

مبلغ موفق کسی است که علم و آگاهی در مورد موضوع تبلیغی خویش داشته و به راه خود ایمان و اعتقاد راسخ داشته باشد زیرا بدون اطلاعات صحیح و اعتقاد جازم چگونه می‌تواند دیگران را هدایت کند. قرآن در این زمینه به بصیرت و آگاهی کامل رسول خدا (ص) اولین مبلغ و منادی اسلام اشاره کرده و می‌فرماید: «قل هذه سبیلی ادعوا الى الله علی بصيرة انا و من اتبعنی»^(۳) ای رسول ما! بگو این است راه من! که با آگاهی و بصیرت کامل، خود و پیروانم را به سوی خدا دعوت می‌کنم.» مبلغ اسلامی علاوه بر دارا بودن اطلاعات لازم

باید همواره به علم و آگاهی خود بیفزاید و همانند رسول خدا (ص) دعا کند که: «رب زدنی علماً»^(۴) پروردگارا بر دانشم بیفزای. قرآن در مورد اعتقاد راسخ و یقین کامل مبلغان اسلامی می‌فرماید: «یؤمنون بالله و الیوم الآخر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یسارعون فی الخیرات و اولئک من الصالحین»^(۵) آنان به خدا و روز قیامت ایمان راسخ دارند و به کارهای نیک دعوت کرده و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و خود نیز عملاً به سوی نیکی‌ها می‌شتابند و آنان از انسانهای صالح و شایستگاند.» از آیات فوق استفاده می‌شود که علم و دانش و اعتقاد و یقین از ضروری‌ترین اوصاف یک مبلغ است. همچنین عمل به گفته‌ها، شتاب در نیکی‌ها و صالح و شایسته بودن در میان مردم نیز از دیگر اوصاف مبلغان می‌باشد.

■ ۲۰۳ و ۵ - صبر، قاطعیت و استواری

از منظر قرآن اراده و صلابت و قاطعیت در اجرای فرمان الهی و صبر بر مشکلات و



سجده الاسلام عبدالکریم با کتب

تبلیغ در قرآن

گرفتاریها لازمه وجودی یک مبلغ دینی است چرا که نداشتن روحیه قوی که ریشه در ایمان و اعتقادات او دارد موجب می شود وی در مقابل موانع و مشکلات راه، به زانو درآمده و خسته و شکسته و دلسرد گردد. به همین جهت قرآن حضرت ابراهیم را به عنوان الگوی مبلغان راه توحید مطرح کرده و از زبان او می فرماید: «تَاللّٰهِ لَا كَيْدَ اَصْنَامُكُمْ»^(۶) به خدا سوگند! حتماً طرح شکستن بت‌هایتان را خواهم ریخت (و آنان را نابود خواهم کرد).

مبلغ متعهد در راه انجام وظیفه تبلیغی خود ناامید و مأیوس نمی شود، او خود را در پناه قدرتی لایزال می بیند که به هر چیزی قادر و توانا، علیم و سمیع است. به این جهت با اراده ای پولادین و گامهای استوار در راه تبلیغ دین حرکت می کند، سخن او، رفتار او، تصمیمات و طرحهای او همه و همه با اقتدار و عزت کامل صورت می گیرد زیرا او همواره خود را مخاطب این آیه می داند: «وَلَا يَحْزَنكَ قَوْلُهُمْ اِنَّ الْعِزَّةَ لِلّٰهِ جَمِيعًا»^(۷) سخنان آنان (مخالفین) تو را محزون و

غمگین نسازد زیرا عزت و عظمت همه از آن خداست.»

یک مبلغ اسلامی قاطعیت، امیدواری و صبر و تحقّل را از رسول گرامی اسلام آموخته و به مرحله اجرا می گذارد و این آیه را نصب العین خود قرار می دهد که: «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ اُولُو الْعِزْمِ مِنَ الرِّسْلِ»^(۸) همان گونه که پیامبران اولوالعزم صبر کرده اند تو هم صبر کن!

۶ و ۷ و ۸ - دلسوزی، مهرورزی و حسن خلق

همچنانکه حافظ گفته: حسن خلق و اخلاق پسندیده از مطمئن ترین راه کارهای جذب و هدایت بشمار می رود:

به حسن خلق توان کرد صید اهل نظر

به دام و دانه بگیرند مرغ دانا را
قرآن مهمترین راز توفیق پیامبر اسلام (ص) را در امر تبلیغ دین، مهرورزی و حسن خلق آن حضرت می داند و می فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللّٰهِ لَنْتَ لَهُمْ و لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ»^(۹) به جهت رحمت خداوند با مردم مهربان و نرمخو شدی و اگر تند خو و سخت دل بودی قطعاً از اطراف تو پراکنده می شدند.

حسن خلق و نرمخویی پیامبر، یارانش را چنان شیفته خود کرده بود که با تمام وجود به او عشق می ورزیدند و دشمنان قسم خورده اش نیز در اثر این خصلت والای انسانی تبدیل به دوستان فداکار می شدند. در سوره توبه با اشاره به مهربانی، دلسوزی و مردمداری پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ حَرِيصٌ عَلَىٰ عِتْمِ حَرِيصٍ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ»^(۱۰) برای شما پیامبری از جنس خودتان آمد که بر او دشوار است که شما در رنج و زحمت بیفتید. به هدایت شما حریص و نسبت به مؤمنان دلسوز و مهربان است. آری، مهربانی، شفقت و ابراز محبت در عرصه تبلیغ در جذب دلها، اثری ماندگار، عمیق و ریشه دار دارد، مولوی می گوید:

از محبت خارها گل می شود

از محبت سرکه ها مل می شود

از محبت نار نوری می شود

از محبت دیو حوری می شود

از محبت مرده زنده می کنند

از محبت شاه بنده می کنند

۹ و ۱۰ - آمر به معروف و ناهی از منکر

خداوند متعال مبلغان دینی را در ردیف آمران به معروف و ناهیان از منکر قلمداد کرده و یکی از وظائف آنان را عمل به این دو اصل حیاتی اعلام می کند چرا که امر به معروف و نهی از منکر از مهمترین ابعاد تبلیغ دینی از منظر قرآن است.^(۱۱)

خداوند متعال این وظیفه مبلغان مسلمان را اینگونه یادآور می شود: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَلَاحُونَ»^(۱۲) و باید از میان شما، گروهی (مردم را) به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی باز دارند و آنان همان رستگارانند.

البته در اجرای این دو اصل توسط مبلغان اسلامی تردید نیست آنچه مسلم است اخلاص و عامل بودن به گفته های خویش است.

برای توضیح این سخن و درجه اثرگذاری امر تبلیغ در وادی امر به معروف و نهی از منکر، به سخنی از استاد شهید مطهری اشاره می کنیم، ایشان می نویسد: از شرائط مفید بودن امر به معروف و نهی از منکر این است که اصالت داشته باشد یعنی تابع هیچ جریان دیگر نباشد، باید منبع جریان ها باشد نه تابع از جریان ها، نباید تابع شخص یا صنف یا یک جریان خاص باشد. باید در خدمت شخص باشد و لو یک شخصیت روحانی، نباید در خدمت صنف و حزب باشد فرق است میان اینکه روحانیون (و مبلغان مذهبی) در خدمت دین باشند و یا دین و اصول مقدس دین مثل امر به معروف در خدمت آنها باشد. هرگاه واقعاً روحانیون و مؤمنین در خدمت دین قرار گرفتند آن وقت سرافرازی دین است ولی هر وقت دین در خدمت عمامه به سر و عرقچین به سر قرار گرفت آن وقت منتهای بدبختی، ذلت و بیچارگی دین است. پس باید خود را برای دین خالص کرد و دین را هدف نهایی قرار

داد نه اینکه دین را برای هدف دیگر ولو به قصد قربت خواست.^(۱۳)

■ ۱۱ و ۱۲- توجه به عقلانیت و فطرت انسان

از خطرناک‌ترین آفات تبلیغ دینی مقابل قرار دادن برنامه‌های دین با فطرت و عقل و خواسته‌های معقول افراد است. چرا که دین اسلام بر اساس فطرت بشر و عقل سالم انسانهاست همانگونه که قرآن با اشاره به این نکته می‌فرماید: «فَاقم وجهک للدين حنیفاً فطرت اللّٰه الّٰتی فطر النّاس علیہا لا تبدیل لخلق اللّٰه ذلک الدین الذّٰی القیم و لکنّ اکثر النّاس لا یعلمون»^(۱۴) پس روی خود را متوجه آئین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند انسانها را بر طبق آن آفریده و دگرگونی در آفرینش الهی نیست این است آیین استوار ولی اکثر مردم نمی‌دانند.»

اگر مبلغان دینی به طور ناخودآگاه و از روی عدم اطلاع دستورات و برنامه‌های دینی را در مقابل دستورات عقل و خواسته‌های فطری بشر قرار دهند و مخاطبین آنان چنین برداشت کنند که دین و فطرت و معنویت و عقل با هم سازگاری ندارد به طور طبیعی از آن فاصله می‌گیرند و نه تنها به سوی اهداف مبلغ گرایش پیدا نمی‌کنند بلکه ممکن است برای همیشه از دین و مبلغان دینی گریزان شوند.

استاد شهید مطهری می‌نویسد: «یکی از مختصات دین اسلام این است که همه تمایلات فطری انسان را در نظر گرفته، معنی فطری بودن قوانین اسلامی هماهنگی آن قوانین با خواسته‌های فطریات است. یعنی اسلام گذشته از اینکه از نظر ایمان و پرستش خدا، پرورش دهنده یک احساس فطری است، از نظر قوانین و مقررات نیز با فطرت و طبیعت و احتیاجات واقعی بشر هماهنگ است. بعضی از مقدس مآبان و مدعیان تبلیغ دین به نام دین با همه چیز به جنگ بر می‌خیزند، شعارشان این است: اگر می‌خواهی دین داشته باشی به همه چیز پشت پابزن، گرد مال و ثروت نگرد، ترک چشم‌ت و مقام کن، زن و فرزند را رها کن، از علم بگریز که حجاب اکبر است و مایه گمراهی است، شاد

مباش و شادی نکن، از خلق بگریز و به انزوا پناه ببر، بنابراین اگر کسی بخواهد به غریزه دینی خود پاسخ مثبت دهد باید با همه چیز در حال جنگ باشد. بدیهی است وقتی که مفهوم زهد، ترک وسائل معاش و ترک موقعیت اجتماعی و انزوا و اعراض از انسانهای دیگر باشد، وقتی که غریزه جنسی پلید شناخته شود و منزّه‌ترین افراد کسی باشد که در همه عمر مجرد زیسته است، وقتی که علم دشمن دین معرفی می‌شود مسلماً مردم به دین بدبین خواهند شد.

بنابراین مبلغان دینی وظیفه دارند موضوعات و برنامه‌های دینی را با عقل و فطریات مردم هماهنگ سازند، در اصلاح محیط بکوشند و هرگز به نام دین با فطریات مردم مبارزه نکنند، در آن صورت تبلیغات دینی مؤثر واقع شده و تمام اقشار جامعه به سوی دین خواهند آمد. توجه نکردن به این آفت مهم تبلیغ، امروز برخی از جوانان را دین گریز کرده است و پرسشهای زیادی را در ذهن افراد به وجود آورده است. امیدواریم بزرگانی که در رأس امور تبلیغ دین قرار دارند و تصمیمات آنان تأثیر بسزایی در اعتقادات و باورها و عملکرد دینی مردم دارد بتوانند مردم مسلمان را طوری راهنمایی کنند تا آن این پیام قرآنی را که دین و فطرت و عقل با هم سازگارند، مکمل همدیگرند، دریابند و غرافات را از سقیف و علم را از جهل تشخیص دهند.

در اینجا به عنوان حسن ختام خاطره‌ای را در همین رابطه از مبلغ موفق جهان اسلام حضرت حجة الاسلام و المسلمین آقای فلسفی (ره) نقل می‌کنیم:

اولین بار که بلندگو به بازار آمد و به مسجد راه یافت افراد مقدس مآب و خشکه مقدس از آوردن آن به مسجد وحشت داشتند. آقای فلسفی برای اولین بار در مسجد سید عزیزالله در بازار تهران با بلندگو

سخنرانی کرد ولی برخی افراد کوتاه بین و تنگ نظر به شدت اعتراض کرده و آقای فلسفی را به باد انتقاد گرفتند ایشان می‌گویند: یک شب مجلس عروسی پسر یکی از محترمین بود، در آن مجلس علما، ائمه جماعات و متدین و سایر اصناف مردم حضور داشتند، یکی از افراد مقدس مآب از پایین مجلس با صدای بلند گفت: آقای فلسفی خیلی حرفهای خوبی می‌زنید اما متأسفم که این مزمرا (نوعی ابزار موسیقی) را به مسجد آوردید چرا با مزمرا حرف می‌زنید، عیب شما این است.

آن موقع بلندگو تازه به مسجد و محافل آمده بود و علما از ترس برخی افراد تنگ نظر نمی‌توانستند از آن استفاده کنند من بعد از شنیدن سخن آن آقا به مسؤول پذیرایی گفتم: این بشقاب گز را ببرید خدمت آن آقای مقدس مآب. تا قدری میل کند. آن آقای مقدس گفت: نه آقا من دندانم عاریه است گز لای دندانم می‌رود و اذیتم می‌کند و نمی‌توانم غذا بخورم. گفتم: چرا دندان عاریه‌ای گذاشته‌ای؟ گفت: برای اینکه دندان ندارم می‌خواهم راحت غذا بخورم. گفتم: چرا عینک زده‌اید، گفت: بدون عینک نمی‌توانم دور را ببینم! در این موقع من تند شدم و گفتم: شما دندان نداشتی دندان عاریه‌ای گذاشتی که بتوانی غذا بخوری نمی‌توانستی دور را ببینی عینک زدی تا دور را راحت ببینی این کار شما حلال است اما من که صدایم به آخر مجلس نمی‌رسد و میکروفن آورده‌ام که صدایم راحت به مردم برسد کار حرام کرده‌ام؟^(۱۵)

۱. سورة عنکبوت، آیه ۱۸.
۲. سورة توبه، آیه ۱۲۲.
۳. سورة یوسف، آیه ۱۰۸.
۴. سورة آل عمران، آیه ۱۱۴.
۵. سورة طه، آیه ۱۱۴.
۶. سورة انبیاء، آیه ۵۷.
۷. سورة یونس، آیه ۶۵.
۸. سورة احقاف، آیه ۳۵.
۹. سورة آل عمران، آیه ۱۵۹.
۱۰. سورة توبه، آیه ۱۲۸.
۱۱. سورة آل عمران، آیه ۱۰۴.
۱۲. دست نوشته‌ای از استاد مطهری، افق حوزه، ش ۱۰۷، ص ۶.
۱۳. سورة روم، آیه ۳۰.
۱۴. امدادهای غیبی، ص ۵۰.
۱۵. خاطرات و خطرات، علی اکبر نیکزاد، سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۴۰.